

Criticism and evaluation of the book *Arabic inflection Education* From Abdulhadi

Zohreh Ghorbani Madavani *, **Fereshte Farzishoub ****

Abstract

Reading books from a critical point of view is one of the best ways to lead authors to apply their works and improve the scientific and educational level of their writings. Structural and content evaluation of the work with scientific criteria and providing solutions to eliminate shortcomings and increase the effectiveness of the book, the author helps to provide better scientific and educational content. In this regard, textbook critique is of special importance, which can be referred to "Arabic inflection education" by Abdulhadi Feqhizadeh. The author's method in this book is an inferential method in that he first mentions the examples and then explains the rules. Therefore, this descriptive-analytical method has examined the strengths and weaknesses of this work in terms of form and content and has concluded that the book address in some courses to those rules that do not seem necessary and even marginalized. It also does not address the issue of meaning and semantic subtlety in morphological forms and structures.

Keywords: Criticism, inflection, Arabic inflection Education, Abdulhadi Feqhizadeh.

* . Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
zghorbani@atu.ac.ir.

** . Assistant Professor of Persian Language and Literature, Golestan University, Gorgan, Iran.

Date received: 2020-12-26, Date of acceptance: 2021-02-14

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و ارزیابی کتاب آموزش صرف عربی از عبدالهادی فقهی زاده

زهره قربانی مادوانی*

فرشته فرضی شوب**

چکیده

خوانش کتاب‌ها با دیدگاه انتقادی، یکی از بهترین شیوه‌های سوق دادن نویسندگان به سمت کاربردی‌سازی آثار و بهبود سطح علمی و آموزشی تألیفات آنهاست. بررسی و سنجش ساختاری و محتوایی اثر با معیارهای علمی و ارائه راه‌کارهایی برای رفع نواقص و افزایش اثربخشی مطالب کتاب، به نویسنده در ارائه هر چه بهتر محتوای علمی و آموزشی یاری می‌رساند. در این میان، نقد کتاب‌های درسی اهمیت ویژه‌ای دارد. از جمله این کتاب‌ها، می‌توان به آموزش صرف عربی اثر عبدالهادی فقهی زاده اشاره کرد. روش نویسنده در این کتاب روش استنباطی است؛ بدین صورت که ابتدا شاهد مثال‌ها را ذکر می‌کند و سپس قواعد را توضیح می‌دهد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی نقاط قوت و ضعف این اثر را از دو جنبه شکل و محتوا بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که کتاب در برخی درس‌ها به آن دسته از قواعدی که ضروری به نظر نمی‌رسد و گاهی در حاشیه قرار دارند، پرداخته است. همچنین، به مسئله معنا و ظرافت‌های معنایی موجود در قالب‌ها و ساختارهای صرفی اشاره‌ای نکرده است.

کلیدواژه‌ها: نقد، صرف، آموزش صرف عربی، عبدالهادی فقهی زاده.

* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران zghorbani@atu.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

۱. مقدمه

کتاب‌هایی که به منزله منبع اصلی هر درس معرفی می‌شوند، نسبت به سایر کتاب‌ها نقش مهم‌تری در انتقال مفاهیم دارند، زیرا دانشجو با این کتاب‌ها مستقیماً در ارتباط است و مطالب آن را به خاطر می‌سپرد. حال اگر در این قبیل کتاب‌ها، نکته‌ای به غلط در ذهن دانشجو، جای‌گیر شود، زدودن آن از ذهن و تصحیح آن، آسان نخواهد بود. از این رو، نقد و بررسی و اصلاح خطاهای احتمالی موجود در کتاب‌های درسی بسیار مهم است و به نویسندگان این امکان را می‌دهد با استفاده از الگویی صحیح و معیارهای علمی دقیق با حساسیت بیشتری دست به قلم ببرند تا بتوانند محتوا را به زبانی آسان و در پوششی زیبا به مخاطب ارائه دهند. پژوهش حاضر با هدف بررسی ساختاری و محتوایی کتاب، به شیوه توصیفی - تحلیلی، به دنبال دستیابی به نقاط قوت و ضعف کتاب و ارائه راه‌کارهایی در راستای رفع نقص‌های احتمالی آن است. با توجه به اینکه کتاب برای دانشجویان رشته خاصی - معارف و علوم قرآن و حدیث - تألیف شده است، مهم‌ترین هدفی که ناقدان در بررسی این کتاب دنبال می‌کنند، سنجش میزان کاربردی بودن این کتاب برای دانشجویان این رشته و اسباب موفقیت یا عدم موفقیت آن در رفع نیازهای دانشجویان این رشته است.

از این رو، سؤالی که مطرح می‌شود این است که کتاب حاضر از نظر شکل و محتوا تا چه حد توانسته است در امر آموزش صرف عربی موفق عمل کند؟
گفتنی است مطالب این نوشتار پس از مطالعه دقیق کتاب و به قصد ارتقای سطح علمی - آموزشی آن در چاپ‌های بعدی نوشته شده است، زیرا نویسندگان برآنند با بررسی و بیان موارد ضعف کتاب، چارچوبی درست را برای ارائه مطالب به صورت قاعده‌مندتر و مفیدتر در اختیار نویسنده قرار دهند.

۱-۱. پیشینه تحقیق

درخصوص این کتاب تاکنون نقدی صورت نگرفته، اما مطالعه کتاب‌هایی با موضوع نقد و مقالاتی که در حیطه نقد کتاب‌های صرف و نحو به چاپ رسیده، الگوهایی برای نگارش مقاله حاضر بوده است؛ مقالاتی چون «بررسی و نقد کتاب قواعد کاربردی زبان عربی» از حسین کیانی؛ «نقد کتاب صرف ساده» از معصومه نعمتی قزوینی و سیده اکرم

نقد و ارزیابی کتاب آموزش صرف عربی از عبدالهادی فقهی‌زاده ۷۳

رخشنده‌نیا؛ «نقدی بر کتاب آموزش صرف (دستور کاربردی زبان عربی) اثر عبدالرسول کشفی» از فرشته فرضی شوب؛ «بررسی و نقد کتاب دستور کاربردی زبان عربی جلد دوم: آموزش نحو تألیف عبدالرسول کشفی» از محمد علی سلمانی مروست (همگی این مقالات در نشریه نقدنامه زبان و ادب عربی، سال اول، شماره اول منتشر شده‌اند).

البته در راستای قواعد صرف و نحو کتاب‌ها و مقالات زیادی به نگارش درآمده است که به اختصار به چند مورد از آن‌ها برای نمونه اشاره می‌شود:

- *التطبیق الصرفی* (۲۰۰۹) از عبده الراجحی: از ویژگی‌های بارز این کتاب آوردن مشتقات در بخش فعل، تمرین‌های کم و خارج از جمله و متن، نداشتن نظم منطقی در پرداختن به مباحث، عدم رعایت نظم و منطق در ترتیب عنوان‌های درس‌ها، نپرداختن به همه مباحث صرفی مثل انواع تنوین، اسم منصرف و غیر منصرف و ...

- *تیسیر الصرف* (۲۰۱۶) از عبدالقادر فیضی و عبدالله دارمی: روش این دو نویسنده در بیان قواعد، استنباطی است و به تبعیت از کتاب *النحو الواضح* صورت گرفته است. بدین معنا که نویسندگان، در ابتدا مثال‌های بسیاری آورده‌اند، سپس با تکیه بر آن مثال‌ها به بیان قواعد پرداخته‌اند و در پایان تمرین‌های فراوانی نیز آمده است.

- *الصرف العربی، احکام و معان* (۲۰۱۳) از فاضل صالح السامرائی: از کاستی‌های این کتاب عدم نظم و منطق در ترتیب درس‌ها، حذف اسم تفضیل از انواع مشتق و نبود تمرین است، اما نکته بارز آن، اشاره به برخی ظرافت‌های معنایی در کنار ساختارهای صرفی است.

- *صرف کاربردی، آموزش پیشرفته دانش صرف* (۱۳۹۵) از عبدالرسول کشمیری: مباحث صرفی در این کتاب در دو جلد و مشتمل بر هفت شهر که هر یک از این شهرها چند حدیقه نیز دربر دارند، آمده است. از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به مواردی چون ارائه تمرین‌های تشریحی و تستی از قرآن کریم و احادیث، طراحی نمودارها و جدول‌ها با ارائه نکته‌های مهم درسی، بررسی و تحلیل مقایسه‌ای آیات و ... است. نویسنده بر این باور است که با جمع‌آوری شاهد مثال‌هایی از دستور زبان فارسی توانسته است آموزش این علم را برای فراآموزان تسهیل کند، اما به نظر می‌رسد دلایل و شاهد مثال‌هایی که از زبان فارسی ذکر می‌کند تنها سلیقه‌ای و با نگاهی متفاوت است برای نمونه آنچه در بخش اعلال ذکر کرده است در ارتباط مستقیم با قواعد اعلال نیست و تنها به مخاطب نشان

داده می‌شود که موضوع اعلال و تغییر در هر دستور زبانی قابل رهیافت است. بنابراین، ذکر آن قواعد در بیشتر موارد نه تنها به فراآموز کمک نمی‌کند، بلکه یادگیری مطالب جدیدی نیز بر او تحمیل می‌شود.

- *الْبَسِيطُ فِي الصَّرْفِ* (۲۰۱۴) از عبدالرزاق الملاهی: این کتاب برای یکی از درس‌های دبیرستان مصر نوشته شده است. مطالب بسیار مختصر و به زبانی ساده و مشتمل بر تمرین‌ها آمده است.

- *دانش صرف* از سید حمید جزایری: نویسنده تمام مباحث صرفی را در ۴۳۱ صفحه جمع کرده و تنها به بیان قواعد پرداخته است و تمرین‌هایی برای کاربرد عملی ندارد. البته در پایان هر مبحث چندین پرسش از متن درس‌ها آمده که در حد تعریف و نام بردن است.

- *صرف مقدماتی* از احمد قاری: نویسنده در این کتاب تنها به بخشی از قواعد کاربردی صرف در بخش اسم و فعل پرداخته است. بنابراین، همه مباحث صرفی را پوشش نمی‌دهد. این کتاب همچنین فاقد تمرین‌های کاربردی است.

- «*الصرف ۱ در ترازوی نقد*» (۱۳۹۴) به قلم وصال میمندی و نعیمه خبازی اشرف: نویسندگان در این مقاله کتاب *الصرف ۱* از احمد پاشازانوس را که به مبحث فعل مرتبط است از نظر شکل و محتوا نقد و بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که نباید به بهانه تسهیل امر آموزش، مطالب به شکل نادرستی بیان شود و همچنین استفاده از تمرین‌های متعدد و متنوع و کاربرد جدول در تفهیم و تعمیق مباحث آموزشی از جمله صرف تأثیر بسزایی دارد.

- «*نقد کتاب صرف ساده*» (۱۳۸۱) از معصومه نعمتی و سیده اکرم رخشنده‌نیا: نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که کتاب *صرف ساده* در زمینه کاربردی کردن تمرین‌ها، ارجاع درست مطالب، مقدمه‌نویسی و ... نیاز به اصلاح و ویرایش دارد.

کتاب *آموزش صرف عربی* نیز مانند بیشتر کتاب‌های حوزه صرف، به تفاوت معنایی قالب‌های صرفی اشاره‌ای نکرده است و تفاوتی که بین آن و دیگر کتاب‌های مشابه در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، این است که نویسنده در این کتاب تنها از مثال‌های قرآنی و روایی استفاده کرده است که همگی کاربردی هستند.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب آموزش صرف عربی کتابی ۵۶۴ صفحه‌ای است که به قلم عبدالهادی فقهی زاده و از سوی انتشارات سمت در سه بخش به چاپ رسیده است. بخش اول، کلیات است و در پنج درس آمده و موضوعاتی چون حروف الفبا، انواع کلمه، حروف اصلی و زائد، همزه، اعلال و ابدال را دربر می‌گیرد. بخش دوم به فعل اختصاص دارد که به انواع فعل از نظر زمان (ماضی، مضارع، و امر)، لازم و متعدی، معلوم و مجهول، فعل از نظر تعداد حروف (مجرد، مزید)، فعل از نظر نوع حروف (صحیح و معتل و انواع آن‌ها) و در پایان تجزیه فعل پرداخته است. تمامی این مباحث در ۲۶ درس ذکر شده است. در بخش سوم، اسم آمده است و ویژگی‌های آن از نظر معرفه، نکره بودن، عدد، جنس، جامد و مشتق و انواع آن‌ها، اسم از نظر حرف آخر، تصغیر، نسبت، عدد و در پایان تجزیه آن بررسی شده است. این بخش نیز شامل ۲۶ درس است. در پایان کتاب نیز جدول‌هایی که در متن کتاب به آنان اشاره شده، آمده است.

۳. ارزیابی شکلی اثر

«شکل ظاهری و فیزیکی کتاب از عوامل جذب و برانگیزنده است. برخورد اولیه مخاطب با کتاب، از شکل ظاهری آن آغاز می‌شود. شکل ظاهری کتاب، مانند پنجره‌ای است که مخاطب را به دنیای کتاب و محتوای آن وارد می‌کند» (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۳، ص. ۷). از این رو، پرداختن به موضوعاتی چون عنوان، طرح جلد، حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی بسیار اهمیت دارد.

۱-۳. عنوان و طرح جلد کتاب: در این کتاب، عنوان دقیقاً بیانگر محتوای کتاب است، اما طرح آن بسیار ساده است و ارتباطی با محتوای کتاب ندارد، ولی در عین حال، نشان‌دهنده این موضوع است که در بطن کتاب از آیات قرآنی و حدیث استفاده شده است.

۲-۳. صفحه‌آرایی: «در صفحه‌آرایی، ترتیب قرار گرفتن متن و تصاویر در صفحه‌ها، نوع حروف، اندازه حروف، پی‌نوشت‌ها، شماره‌گذاری صفحه‌ها و طراحی جلد و روپوش آن تعیین می‌شود» (باب الحوائجی، ۱۳۸۷، ص. ۸۱).

در این کتاب منابع و مصادر که در حروف‌نگاری باید به صورت نازک بیایند، رعایت نشده است. نیز اندازه قلم در پاورقی‌ها دقیقاً هم‌اندازه با متن کتاب است. اما دقت در حروف‌نگاری متن در حد عالی است. درمورد صفحه‌آرایی کتاب، استفاده از bold و رعایت فاصله مناسب بین خطوط و ایجاد فاصله مناسب از بالا و پایین صفحه از نقاط قوت آن به حساب می‌آید.

از عناصر بصری، به جز استفاده از bold، از نشانه‌های دیگری که به خواننده در راحت خواندن و ایجاد انگیزه بیشتر برای مطالعه کمک می‌کند مثل جدول و نمودار و ... خیلی کم استفاده شده است.

عنوان‌های درس‌ها در تمامی صفحات ذکر شده و تنها یک عنوان کلی اسم یا فعل برای همه صفحات آمده است.

صفحات آغاز درس‌ها یکسان نیست؛ برخی با صفحه زوج و برخی با صفحه فرد آغاز شده است. برای نمونه درس دوم از صفحه ۱۳ (فرد) آغاز شده است و درس ۲۵ بخش دوم کتاب از صفحه ۲۴۲ (زوج) آغاز شده است.

برای تیتراها و عنوان‌های اصلی متن درس‌ها، شماره فونت مناسب انتخاب نشده و اندازه آن با فونت متن درس‌ها یکسان است، حال آنکه باید متفاوت از متن باشد تا مخاطب به راحتی بتواند عنوان‌ها را پیدا کند.

در بیشتر درس‌ها در بخش توضیح شاهد مثال‌ها، نمونه‌ها در صفحه قبل و توضیحات در صفحه بعد آمده است، اما با عبارت «در نمونه‌های بالا» و یا «در جملات بالا» شروع شده است؛ بهتر است نوشته شود در نمونه‌های صفحه قبل؛ مثل صفحه‌های ۴۶، ۷۶، ۷۹، ۹۲، ۱۱۷ (در دو جا یکی سطر ۹ و دیگری سطر ۱۵)، ۱۲۵، ۱۶۰، ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۶۴، ۲۹۸، ۳۴۳، ۳۸۶، ۳۹۴، ۴۳۷، و ... گاهی نیز، جدول در یک صفحه و توضیحات در صفحه دیگر آمده، اما نوشته شده است «در جدول بالا». مثل صفحه ۸۹.

۳-۳. کیفیت فنی و ظاهری اثر: در برخی ترکیبات که باید بین دو کلمه فاصله بیفتد، فاصله‌ای قرار داده نشده است. برای نمونه عمودالدین و کتاب النحو در سطر هشتم صفحه ۱۵، و برخی که باید بدون فاصله بیاید، بین دو بخش کلمه فاصله افتاده است. مثل صفحه ۷۶ سطر آخر پاورقی که در نوشتار خوارشدگان بین خوارشد و گان فاصله افتاده است.

نقد و ارزیابی کتاب آموزش صرف عربی از عبدالهادی فقهی‌زاده ۷۷

در تمامی درس‌ها، معانی واژگان و جمله‌ها در پاورقی آمده است، اما در صفحه ۱۰۰ معانی واژگان شماره ۶ در متن آمده است، همچنین صفحه ۱۰۶.

۳-۴. کیفیت چاپ: کیفیت چاپ کتاب عالی است. در صفحات لکه و یا نقاط سفیدرنگ دیده نمی‌شود. رنگ تمام صفحات یکنواخت است. چاپ، کج و یا موج‌دار نیست و پخش‌شدگی جوهر نیز در صفحات مشاهده نمی‌شود.

۳-۵. صحافی: جلد استحکام لازم را ندارد و برای استحکام بیشتر علاوه بر عطف، از بغل نیز طبق اصول چاپ چسب خورده است.

۳-۶. قطع کتاب: قطع این کتاب وزیری است که رایج‌ترین قطع برای کتاب است.

۳-۷. ویرایش و نگارش: رعایت قواعد عمومی و ویرایش کتاب، نقش بسیار مهمی در جذب مخاطب و فهم صحیح مطالب و محتوای کتاب دارد. رعایت علائم سجاوندی «خواندن و در نتیجه، فهم درست مطالب را آسان، و به رفع پاره‌ای ابهام‌ها که از عدم انعکاس دقیق و روشن عناصر و دلالات گفتاری در نوشته پدید می‌آید، کمک می‌کند» (احمدی گیوی، ۱۳۸۲، ص. ۳۳). زبان این کتاب، فارسی است و قواعد عمومی نگارش دستور زبان فارسی به‌خوبی در آن رعایت شده است، برای نمونه «های» جمع و «ای» نسبت، «اند»، «می» و ... به‌صورت نیم‌فاصله آمده‌اند. علائم نگارشی چون نقطه، نقطه ویرگول، دو نقطه، خط فاصله و ... نیز در جای مناسب خود به کار رفته‌اند که همگی از نقاط قوت کتاب شمرده می‌شوند.

البته در برخی موارد محدود نیز مشاهده می‌شود که نیم‌فاصله رعایت نشده است؛ برای نمونه در پاورقی شماره ۱ صفحه ۹۲ بین می و گرداند نیم‌فاصله رعایت نشده، یا در صفحه ۹۳ در سطر هشتم بین می و گویند نیم‌فاصله نیفتاده است، یا در صفحه ۹۵ نیز کلمه «فعل‌های» نیم‌فاصله آن رعایت نشده است.

در تمام صفحات درس ۲۳ از بخش فعل کتابت الف به‌صورت همزه با کرسی الف آمده است.

اما از نظر ویرایش تخصصی اثر: در برخی موارد به نمونه‌هایی از عدم دقت در بیان مطالب و اشتباهات صرفی برمی‌خوریم که به آن اشاره خواهد شد.

۴. ارزیابی ابعاد محتوایی اثر

۴-۱. **انطباق عنوان با محتوا و جامعیت اثر:** محتوای کتاب با عنوان هم‌خوانی دارد، اما به‌طور کامل با سرفصل‌های وزارت علوم انطباق ندارد؛ بدین معنا که برخی از مباحث اصلی درس صرف از قلم افتاده است. برای نمونه «اعراب و بناء» نه در فعل و نه در اسم ذکر نشده است، همچنین منصرف و غیرمنصرف در بخش اسم حذف شده است.

۴-۲. **تناسب محتوا با توجه به اهداف درسی:** درس صرف معمولاً در تمامی رشته‌هایی که به‌نوعی با زبان عربی سروکار دارند، برای دانشجویان ترم اول و دوم کارشناسی تدریس می‌شود. این دانشجویان تازه از مرحله دبیرستان وارد دانشگاه شده‌اند و اطلاعات کلی آنان از علم صرف — با توجه به حذفیاتی که در چند سال اخیر در کتاب‌های عربی دبیرستان به‌وجود آمده — بسیار ناچیز است. از این رو انتظار می‌رود، تبیین مطالب صرف با توجه به آگاهی پیشین دانشجویان و درخور میزان درک و توانایی وی برای یادگیری و فهم مطالب جدید صورت گیرد. این کتاب از لحاظ دقت در پرداختن به موضوعات و استشهاد به نمونه‌های مختلف قرآنی و غیر آن در سطح بسیار خوبی قرار دارد، ولی از نظر سطح علمی، بیشتر متناسب علاقه‌مندی است که بر اصول و قواعد کلی علم صرف آگاهی دارند و خواستار غور در جزئیات آن هستند. نویسنده کتاب سبب ورود به جزئیات را در مقدمه کتاب چنین بیان داشته است که «سطح علمی کتاب هماهنگ با نیازهای دانشجویان حوزه علوم و معارف قرآن و حدیث انتخاب شده و ورود به جزئیات نیز با توجه به همین نیازها صورت گرفته است». استدلال نویسنده درخصوص نیاز این گروه از دانشجویان به اطلاعاتی وسیع‌تر از دانشجویان سایر رشته‌های مرتبط با زبان عربی نیز جای تأمل دارد، چرا که ذکر و حتی یادگیری بسیاری از نکته‌های موجود در این کتاب، حتی برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب نیز ضروری نیست. ولی بر فرض صحت کلام نویسنده، این نکته را باید در نظر داشت که هدف نهایی دانشجویان رشته الهیات و علوم حدیث، از تحصیل علم صرف، تشخیص و فهم نوع کلمه، ترجمه آن براساس ساختمان کلمه و تفاوت آن با مشتقی دیگر از همان ریشه است. این نکته‌ها در مباحث عمومی علم صرف نیز آموزش داده می‌شود و نیازی به ذکر تفصیلات بیشتر نیست، چراکه از فارغ‌التحصیل این رشته انتظار می‌رود در نهایت بتواند اوزان و قالب‌های متفاوت صرف را به‌کمال بیاموزد و به ظرافت‌های معنایی موجود بین آن قالب‌ها پی ببرد.

برای این امر مهم می‌بایست با انتخاب آیاتی از قرآن کریم به تفاوت‌هایی معنایی بین اوزان اشاره می‌شد که متأسفانه کم‌ترین اشاره‌ای به آن نشده است. لذا این کتاب تنها به دانشجو کمک می‌کند تا قواعد صرفی را دریابد و به فهم بهتر او از متون دینی کمکی نمی‌کند. حتی نویسنده به بسیاری از جزئیات که نمونه آن در ذیل خواهد آمد، پرداخته است که اصلاً در سطح دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث نیست. برای مثال: در صفحات ۳۷۲ تا ۳۷۴ درخصوص اوزان صیغه‌های منتهی‌الجموع وزن‌های بسیاری برشمرده شده است، مانند: «فَعَالِل، فَعَالِل، أَفَاعِل، أَفَاعِل، تَفَاعِل، تَفَاعِل و..». وزن عروضی بیشتر از نود درصد موارد یادشده در جدول یکی است و می‌توان آن را در دو وزن مفاعل و مفاعیل خلاصه کرد. بنابراین هیچ نیازی به اختصاص یک جدول سه‌صفحه‌ای برای آموزش اوزان صیغه‌های منتهی‌الجمع نیست.

همچنین، در صفحه ۴۱۴ درخصوص اوزان صفت مشبیه نیز آمده است: «چنانچه فعل ماضی گویای مفاهیمی چون خالی و پر شدن و امور دیگری باشد که زوال آن به کنندی صورت می‌پذیرد، صفت مشبیه آن بر وزن فعلاَن بیان می‌شود / اگر فعل ماضی بیانگر مفاهیمی چون عیب، رنگ یا زینت که صفت‌هایی پایدار یا نیمه‌پایدارند، باشد؛ صفت مشبیه آن بر وزن أَفْعَل بنا می‌شود. / چنانچه فعل ماضی بر وزن «فَعْل» باشد، صفت مشبیه آن وزن‌های متعددی دارد که این اوزان عبارت‌اند از: «فَعْلٌ، فَعَالٌ، فَعْلٌ، فَعْلٌ، فَعْلٌ، فَعْلٌ، فَعْلٌ، فَعْلٌ و فَعِلٌ». / هرگاه ماضی ثلاثی مجرد بر وزن «فَعْل» باشد، به‌ندرت از آن صفت مشبیه ساخته می‌شود و در این صورت، صفت مشبیه غالباً بر وزن «فَعِل» و یا «أفْعَل» می‌آید».

حال، این پرسش مطرح می‌شود که آیا قرار است دانشجوی فارغ‌التحصیل این رشته، از اوزان مختلف فعل، صفت مشبیه بسازد؟ و آیا فراگیری این نکته که صفت مشبیه از وزن فَعْل بر چه اوزانی می‌آید در درک بهتر از وی از احادیث، تأثیرگذار خواهد بود؟ به‌نظر می‌رسد ذکر جزئیاتی از این قبیل، نه‌تنها هیچ تأثیر مثبتی بر روند یادگیری دانشجو ندارد، بلکه بیشتر موجب سردرگمی و انزجار وی از این مباحث خواهد شد.

همچنین، پرداختن به قواعد مربوط به مصادر افعال مجرد ثلاثی در صفحه ۱۲۵ و ۱۲۶، گونه‌های ظهور ابدال در صفحه ۴۱ و ۴۲، جانشین‌های اسم مفعول در صفحه ۴۰۵، اسم ممدود سماعی و قیاسی صفحه ۴۴۰ و ...

۳-۴. مسئله‌مندی کتاب و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و کاربردی کشور: هدف

اصلی کتاب، آن گونه که نویسنده در مقدمه کتاب می‌گوید: «تعلیم قواعد صرف به دانشجویان رشته‌های الهیات و معارف اسلامی در چارچوب بخش‌بندی‌های نظام‌مند و با استشهاد به نمونه‌های متعدد قرآنی، روایی و تمرین‌های کاربردی فراوان است. (فقهی‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۲) بدین منظور در ابتدای هر درس، اهداف آن درس، سپس توضیح قواعد و بعد از آن تمامی مطالب مطرح شده در درس به صورت خلاصه و نکته‌وار با عنوانی به نام «قاعده» آمده و برای پیشگیری از هر گونه ابهامی به ترجمه آیات و معانی واژگان در پاورقی نیز اشاره شده است. در ترجمه آیات از ترجمه محمد مهدی فولادوند و در ترجمه روایات نهج البلاغه از ترجمه سید جعفر شهیدی و در بیان معانی واژگان از فرهنگ معاصر عربی نوشته آذرتاش آذرنوش استفاده شده است. در این مورد اینکه آیا نویسنده در تحقق هدف خود از نوشتن کتاب، موفق بوده است یا خیر، باید گفت، کتاب کارآمد، کتابی است «که بتواند پیام اصلی پدیدآورنده خود را به روشنی تبیین، و هدف نهایی از نگارش خود را تأمین کند» (منصوریان، ۱۳۹۲، صص. ۲-۳). متأسفانه نویسنده آنگونه که انتظار می‌رود، نتوانسته است هدف اصلی خود را از نگارش کتاب محقق سازد. در هدف نویسنده دو نکته محوری وجود دارد؛ یک تعلیم قواعد در چارچوب بخش‌بندی نظام‌مند، دو آوردن تمرین‌های کاربردی. نکته اول به دو دلیل زیر سؤال می‌رود؛ از یک سو با اطناب و زیاده‌روی در توضیح مطالب، گاهی باعث دل‌زدگی دانشجویان و مخاطبان کتاب شده است؛ مانند تکرار مطالب با حذف مثال‌ها در زیرمجموعه «قاعده» در هر درس، و از سوی دیگر به نکته‌هایی پرداخته که مورد نیاز دانشجویان رشته الهیات و علوم قرآنی نیست. برای نمونه می‌توان به جزئیات مبحث معتلات در شش درس از قسمت فعل، اشاره به مؤنث حکمی و تأویلی در صفحه ۳۲۹ که گاهی دانشجوی رشته عربی نیز با آن‌ها آشنا نیست، یا هجای بسته و باز و انواع کاربرد مصوت و صامت در دو صفحه ۲۰۴ و ۲۰۵ و ... اشاره کرد. اما نکته دوم (تمرین‌های کاربردی) نیز محقق نشده است؛ چراکه از یک سو تمرین‌ها کم هستند و در برخی درس‌ها تنها به یک سؤال با چند نمونه بسنده شده است؛ مثل درس‌های ۹، ۲۰، ۲۱ و ... از بخش فعل و درس‌های ۳، ۸، ۹، ۱۶ و ... و از سوی دیگر تمرین‌ها، همه مطالب درس‌ها را پوشش نمی‌دهند:

در صفحه ۱۹، عنوان درس مربوط به انواع کلمه و نشانه‌های آن است، ولی در بخش تمرین‌ها، درباره فعل و نشانه‌های آن تمرینی آورده نشده است. در صفحه ۲۸، از یکی از مطالب اصلی درس سوم، یعنی انواع فعل از نظر نوع حروف، تمرینی نیامده است.

در صفحه ۱۳۹، در باب معانی ابواب تمرینی نیامده است.

در صفحه ۱۴۹، تمرینی برای باب انفعال نیامده است.

در صفحه ۱۶۶، تمرینی در خصوص باب‌های افعیعال و افعیلال و افعال نیامده است.

در صفحه ۱۸۷، در مورد انواع زمان اسم فعل همچنین در مورد مرتجل و منقول و قیاسی، تمرینی نیامده است.

در صفحه ۲۰۱، درباره امر مضاعف تمرینی نیامده است.

۴-۴. نظم منطقی و انسجام و ترتیب درس‌ها: در فهرست‌بندی مطالب این کتاب، ترتیب درس‌ها چنانکه در کتب درسی علم صرف معمول است، رعایت نشده است؛ چنانکه در فهرست درس‌ها، پنج درس اول بخش اسم با عنوان «معرفه و نکره» آغاز شده است، درحالی که معمولاً «مفرد، مثنی و جمع» به ترتیب به عنوان درس‌های اول نوشته می‌شوند. این مسئله به خودی خود، ایرادی ندارد، ولی گاه، درس‌هایی در فراگیری درس‌های دیگر مؤثر است و باید برای حفظ ترتیب منطقی، پس از آن ذکر شود. این نکته در فهرست‌بندی رعایت نشده است؛ مثلاً دو درس ششم و هفتم کتاب به «مذکر و مؤنث» اختصاص یافته و در درس هشتم تا دوازدهم با عنوان «مفرد، مثنی، جمع» به مثنی و انواع جمع پرداخته است. با توجه به اینکه در اسم‌های جمع مکسر، تشخیص مذکر و یا مؤنث بودن کلمه، تنها با رجوع به مفرد آن، قابل تشخیص است، از لحاظ ترتیب علمی و منطقی، مبحث «مفرد، مثنی، جمع» باید قبل از مبحث «مذکر و مؤنث» ذکر شود. از طرفی درس سیزدهم به مصدر و انواع آن پرداخته، سپس درس‌های چهاردهم تا هجدهم با عنوان «جامد و مشتق» نام‌گذاری شده است. با توجه به اینکه، مصدر، یکی از انواع اسم‌های جامد به‌شمار می‌آید، بهتر بود در ذیل عنوان «جامد و مشتق» ذکر شود.

درس نوزدهم نیز به شناخت اسم‌های مقصور و ممدود و... اختصاص یافته است، حال آنکه، در درس هشتم و نهم، چگونگی ساخت اسم مثنی و جمع از اسم‌های مقصور

و ممدود شرح داده شده است؛ بدین معنی که دانشجو قبل از آنکه این اسم‌ها را بشناسد، در ساخت اسم مثنی و جمع با آن سروکار داشته است.

مبحث اسم متصرف و غیرمتصرف در پایان درس نسبت (درس بیست و سوم) با عنوان «ملاحظه» در صفحه ۴۷۷ آمده است. با توجه به اهمیتی که تشخیص اسم متصرف از غیرمتصرف در ساخت و شناخت اسم‌های مثنی، جمع، نسبت و تصغیر دارد، طبیعتاً این مبحث باید قبل از عنوان‌های یادشده ذکر می‌شد، اضافه بر آن، هیچ عنوانی نیز برای این بخش اختصاص نیافته و در فهرست مطالب نیز ذکر نشده است. مخاطب، تنها در صورت مطالعه درس «نسبت ۲» شرح این بخش را در آخرین مبحث درس می‌یابد.

نکته دیگر آنکه، به مبحث اسم منصرف و غیرمنصرف نه در فهرست درس‌ها و نه در متن کتاب هیچ اشاره‌ای نشده است، ولی در بخش آخر کتاب که مربوط به آموزش تجزیه و تحلیل اسم است، صفحه ۵۰۱، این نکته در تحلیل ذکر شده است. سبب حذف این عنوان درس و نپرداختن به آن از سوی نویسنده نامشخص است.

درس‌های تصغیر و نسبت که از زیرمجموعه جامد و مشتق شمرده می‌شوند، به جای اینکه بعد از درس مشتق و جامد آورده شوند بعد از مقصور و منقوص و ممدود آمده‌اند.

۴-۵. نظم و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب: ترتیب بیان مطالب در

درس‌های کتاب بدین صورت است: ابتدا اهداف هر درس تبیین شده است، سپس نمونه‌هایی رده‌بندی شده (به صورت نمونه‌های گروه الف - ب - ج) مرتبط با موضوع درس آمده و بعد از آن توضیحاتی درخصوص هر رده ذکر شده است. پس از آن قاعده کلی هر درس به صورت خلاصه بیان شده و بعد از آن تمرین‌هایی برای هر درس اختصاص داده شده است. برای مثال در درس انواع مصدر، گروه «الف» شماره یک، مصدر اصلی (ثلاثی مجرد) شماره دو، مصدر ثلاثی مزید، شماره سه، مصدر رباعی مزید، است؛ در گروه «ب» تمام نمونه‌ها مربوط به مصدر میمی است؛ در گروه «ج» تمام نمونه‌ها مربوط به مصدر مرة و در گروه «د» نمونه‌ها مرتبط با مصدر نوع است. پس از آن نویسنده به بیان قاعده درس پرداخته و انواع مصدر را تعریف کرده است (صص. ۳۸۰-۳۸۴).

این ترتیب، خالی از حسن نیست، ولی ایجاد ارتباط بین مطالب درس را برای مخاطب دشوار می‌سازد که دلیل آن، فاصله زیاد بین مثال‌ها و توضیحات است. برای مثال کلمه «معدرة» به منزله یک نمونه از مصادر مرة در ذیل شماره ۴ گروه «ب» در صفحه ۳۸۱

نوشته شده و توضیحات مرتبط با آن در پاراگراف دوم صفحه ۳۸۳ با دو صفحه فاصله ذکر شده و تعریف مصدر میمی یک صفحه بعد در شماره ۳ صفحه ۳۸۴ آمده است. بدین معنی که مخاطب برای مشاهده نمونه، تطبیق آن با توضیحات و مطالعه قاعده کلی مصدر میمی، ناچار به تورق ۴ صفحه مجزاست که خود مانع یادگیری آسان است. بنابراین، هر چند مطالب هر درس نظم خاص خود را دارد، ولی به سبب پراکندگی و فواصل بین توضیحات مرتبط با یک بخش خاص دارای انسجام در ساختار نیست. گاهی نیز ترتیب رعایت نشده است؛ مثلاً در صفحه ۳۹ در توضیح اعلال و انواع آن، ترتیب انواع اعلال رعایت نشده است. ابتدا اعلال قلب، بعد حذف و سپس اسکان آمده است، در صورتی که ترتیب درست اسکان، قلب و حذف است (نجفی أسداللهی، ۱۳۸۶، ج. ۲/ص. ۴۹).

این عدم ترتیب را در بخش تجزیه و ترکیب نیز مشاهده می‌کنیم. در درس ۲۶ که با هدف آشنایی با تجزیه اسم نوشته شده، ترتیب موارد مورد نیاز برای تحلیل اسم، بدین صورت آمده است: معرفه/نکره - مذکر/مونث - مفرد/مثنی/جمع - جامد/مشتق - معرب/مبني - نوع اسم از جهت حرف آخر - متصرف/غیرمتصرف (صص. ۴۹۹-۵۰۰). بیوت: اسم نکره، مذکر مجازی، جمع مکسر کثرت (بیت)، جامد غیرمصدری و اسم ذات، معرب لفظی و منصرف، صحیح الآخر، متصرف (صص. ۵۰۰-۵۰۱). چنانکه پیداست تعیین نوع اسم از نظر متصرف و غیرمتصرف بودن در آخرین مرحله از تحلیل اسم قرار گرفته است. با علم به اینکه برخی از نکته‌های صرفی در ذکر یا حذف نکته‌ها پس از خود، تأثیرگذارند در تحلیل اسم نیز باید این ترتیب رعایت شود. برای مثال: اسم‌های غیرمتصرف همیشه بر یک حالت ثابت‌اند و حالت‌های «مثنی، جمع، نسبت و تصغیر» را نمی‌پذیرند (شرتونی، ۱۳۸۹، ص. ۵۲). بنابراین، متصرف یا غیرمتصرف بودن اسم، باید قبل از «مثنی و جمع» نوشته شود تا در صورت عدم نیاز، این موارد ذکر نشود. از سویی برای تشخیص مذکر یا مؤنث بودن اسم‌های جمع مکسر باید به مفرد آن دقت کرد، بنابراین ترتیب منطقی آن است که نوع کلمه از نظر تثنیه و جمع قبل از مذکر و مؤنث بیاید.

نکته دیگر آنکه نوع اسم از نظر شکل حرف آخر (مقصور، ممدود، و...) بر منصرف یا غیرمنصرف بودن کلمه تأثیرگذار است. چنانکه الف مقصوره و یا ممدوده زائد موجب

غیرمنصرف شدن اسم می‌شوند. بنابراین، در این تحلیل، واژه صحیح‌الآخر باید قبل از منصرف ذکر شود.

۶-۴. میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی: اصطلاحات تخصصی علم صرف طبق عنوان و محتوای کتاب تقریباً در تمام صفحات کتاب ذکر شده است که همگی با شرح و توضیح، چه در متن درس و چه در پاورقی همراه هستند. برای نمونه حروف جازم در صفحه ۶۹، معتل صفحه ۲۰۳، ال تلمیح در صفحه ۲۸۴، ترکیب مزجی صفحه ۲۸۷ و

البته در موارد بسیار محدودی نیز مثال‌هایی آورده شده که قاعده آن توضیح داده نشده است. برای نمونه در صفحه ۲۵۱ مثالی از حذف یاء در اسم منقوص آمده است که نکته آن شرح داده نشده است.

۷-۴. نوآوری و نظریه علمی: در این کتاب، نوآوری خاصی به چشم نمی‌خورد و به مانند دیگر کتاب‌های صرف و نحو تنها به آنچه نویسندگان قدیم و جدید مطرح کرده‌اند، بسنده کرده و مطلب تازه‌ای به داده‌های قدیمی صرف اضافه نشده است.

۸-۴. نحوه به‌کارگیری از مؤلفه‌های صوری برای تفهیم موضوع: یکی از روش‌های بسیار کارآمد در تفهیم هر متن به‌خصوص کتاب‌های صرف و نحو استفاده از جدول و نمودار و ... است، ولی این کتاب، تنها در برخی درس‌ها از جدول استفاده کرده است. برای نمونه در درس انواع فعل از نظر زمان، صیغه‌ها و صرف فعل در جدول آمده است. یعنی درس‌های اول، سوم، ششم، همچنین درس نهم، یازدهم و دوازدهم، پانزدهم و از جدول در توضیح برخی مطالب استفاده شده است که در برابر حجم مطالبی که بدون کمک مؤلفه‌های صوری بیان شده‌اند، ناچیز و اندک به‌شمار می‌آید. ناگفته نماند که جدول‌هایی نیز در پایان کتاب آمده است که چون در کنار مباحث و در درس مربوط به خود نیامده‌اند، در تفهیم مطالب به مخاطب کمک چندانی نمی‌کند.

۹-۴. میزان روان و رسا بودن اثر: یکی از مشکلاتی که مخاطب در خواندن این کتاب با آن مواجه است، پیچیدگی زبان نویسنده است، گاهی یک نکته روشن در علم صرف چنان با غموض بیان می‌شود که فهم آن نیازمند قرائت چندباره متن است. برای مثال در صفحه ۳۳ سطر اول مورد سوم همزه قطع در اسم‌ها به صورت خیلی گنگ نوشته شده است: «همزه اسمهایی مانند ابطال، أمة، امیر و أرض همزه قطع است اعم از آنکه

مفرد باشند یا جمع». بهتر بود نویسنده این‌گونه بنویسد: همه اسم‌ها دارای همزه قطع هستند، به جز ده اسمی که در همزه وصل ذکر شد.

در صفحه ۸۷ پاورقی گفته شده: هرگاه به همزه نیاز نباشد یعنی پیش از آن حرف حرکت‌داری آمده باشد در این صورت در تلفظ می‌افتد. آوردن این مطلب هیچ فایده‌ای ندارد و تنها اضافه کردن یک قاعده به ذهن مخاطب و سخت کردن مطلب است، چرا که مخاطب خود بر این امر واقف است که همزه وصل هرگاه در وسط قرار بگیرد، در تلفظ حذف می‌شود.

۴-۱۰. استفاده از منابع معتبر: در این کتاب علی‌رغم ذکر منابع متعدد (تعداد ۸۱ منبع) در بخش پایانی، متأسفانه آنچه در ارجاع به قواعد از آنان استفاده شده، تنها ۱۵ منبع در کل کتاب است که همگی از منابع دست سوم و برخی منابع دست دوم هستند. بنابراین، این ایراد بر کتاب وارد است که در استناد به منابع، ضعیف عمل کرده و در مواردی نیز که از منابع استفاده کرده است، منابع اصلی و دست اول نیستند. حال آنکه اگر منابع از آن دسته منابع معتبر و صادق و یا از نسخه‌های خطی کمیاب باشند، تحقیق ارزش علمی بالایی دارد (عابدین، بی‌تا، ص. ۱۸؛ محمدنژاد، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۰).

۴-۱۱. دقت در استنادات و ارجاعات کتاب: برای ارجاعات انواع مختلفی وجود دارد و یک محقق حق دارد که خودش روش موردنظر را انتخاب کند، به شرط آنکه خواننده به راحتی از آن مطلع شود و هر زمان که محقق یک روش را انتخاب کرد لازم است در تمام مراحل تحقیق به آن پای‌بند باشد (ابوسلیمان، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۰). از محاسن این کتاب در ارجاع این است که روش یکسانی را در نحوه ارجاع و در به‌کارگیری علائم نگارشی بین کلمات پیش گرفته است. البته در چند مورد، این نظم رعایت نشده است: - در برخی ارجاعات تنها به نام کتاب و صفحه بسنده شده است: صفحات ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۱۷۵، ۲۸۴، ۲۸۷، ۲۸۸، ۳۲۶، ۳۳۵، ۳۵۱، ۳۸۱، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۰۸، ۴۳۷، ۴۴۰، ۴۴۱، ۵۰۷.

در برخی ارجاعات نام کتاب ناقص ذکر شده است، برای نمونه اسم «جامع‌الدروس العربیه» که به صورت «الدروس العربیه» آمده است، صفحات ۱۵، ۲۵۹. در برخی ارجاعات به صفحه اشاره نشده است: صفحه ۱۷.

۱۲-۴. میزان سازواری محتوای علمی با فرهنگ اسلامی: با توجه به اینکه، این کتاب برای دانشجویان رشته معارف و علوم قرآن و حدیث نوشته شده، بیشتر مثال‌ها و تمرین‌ها نیز در راستای آشنایی دانشجویان با متون دینی برگرفته از قرآن و نهج البلاغه است.

۵. کاستی‌های محتوایی کتاب

مباحث صرفی، مباحث بسیار دقیقی هستند که نگارش آن‌ها مستلزم نگاهی بسیار موشکافانه و ظریف است، شاید بتوان گفت نگارش هر کتاب صرفی بدون اینکه در آن خطای نگارشی، املائی یا محتوایی دیده شود، در بین نویسندگان فارسی‌زبان تاکنون سابقه نداشته است. این کتاب نیز چون کتاب‌های پیش از خود، اشتباهاتی دارد که قابل بررسی است

- در درس اول با توجه به اینکه در عنوان و در متن درس، تنوین و تائ مدوره آمده است، لذا باید در ضمن اهداف درس تنوین و تائ مدوره نیز ذکر می‌شد، اما اشاره‌ای به آن نشده است.

- در صفحه ۲۵، مباحث صحیح و مهموز و مضاعف، در زیرمجموعه انواع اسم و فعل آمده است، حال آنکه این تقسیم‌بندی مربوط به انواع فعل است. همچنین، در این تقسیم‌بندی به «سالم» اشاره‌ای نشده است.

- در درس چهارم صفحه ۲۹ در اهداف درس، ابتدا به انواع همزه سپس به تفاوت آن با «الف» اشاره شده است، اما در متن، ابتدا تفاوت همزه و الف و سپس انواع همزه آمده است. برای رعایت ترتیب، باید یکی از آن دو تغییر کند.

- در صفحه ۳۰ در بخش موارد استعمال همزه وصل به همزه فعل‌های ماضی و امر حاضر اشاره شده، ولی برای همزه وصل از فعل ماضی، مثالی نیامده است. نیز بهتر بود فعل‌های ماضی مجرد ثلاثی در زیرمجموعه همزه قطع و ماضی باب‌های مزید به جز افعال در زیرمجموعه همزه وصل ذکر می‌شد.

- در صفحه ۳۳، ۲۸۴، ۵۰۲ و ... از اصلاح «معرفه ب ال» استفاده شده است. در حالی که واژه درست «معرف ب ال» است نه معرفه؛ چراکه معرفه به خودی خود کلمه از

نقد و ارزیابی کتاب آموزش صرف عربی از عبدالهادی فقهی‌زاده ۸۷

معارف شمرده می‌شود و اسمی که به وسیلهٔ ال یا اضافه تعریف شود، معرفُّ بآل و اضافه است (نک: حسن، ۱۳۸۰، ج. ۱/صص. ۱۸۷-۱۸۸).

- در صفحه ۴۰، در بخش ابدال صرفی نویسنده کلمه «آدم» را در زیر مجموعهٔ ابدال صرفی قرار می‌دهد، در حالی که در این کلمه تلین همزه صورت گرفته است، نه ابدال (نجفی أسداللهی، ۱۳۸۶، ج. ۲/ص. ۵۲).

- در صفحه ۷۸ سطر اول: نویسنده حرف «قد» را از کلماتی می‌داند که فعل مضارع را به زمان آینده اختصاص می‌دهد، در حالی که ترجمهٔ فعل مضارع با توجه به نوع قد متفاوت است: تقلیل (مضارع اخباری، حال یا آینده) و توقع (فقط آینده). نویسنده به این تفاوت‌ها اشاره نکرده است (نک: یعقوب، ۱۹۹۸، ص. ۵۲۰).

- صفحه ۸۹ در شماره ۱، در بیان اتصال نون تأکید به امر مضاعف به این نکته که هرگاه امر مضاعف بدون نون بیاید، حرف آخر آن به سه حرکت خوانده می‌شود و مثال «مد» زده شده است، در صورتی که فعل «خف» باشد تنها به دو صورت خوانده می‌شود، لذا مطلب ناقص بیان شده است. (ابن عقیل، ۱۹۶۴، ج. ۱/صص. ۶۱۲-۶۱۳).

- صفحه ۱۰۴ از پایین سطر ششم بیان شده است که فاعل و مفعول افعال قلوب می‌تواند با هم یکی باشد. در صورتی که این امر برای همهٔ افعال قلوب اتفاق نمی‌افتد، چراکه فعل «تعلم» از این ویژگی استثناست. لذا باید از قید مثلاً «بیشتر افعال قلوب» استفاده می‌شد و یا به استثنا بودن «تعلم» اشاره می‌شد (سیوطی، ۱۹۸۷، ج. ۲/ص. ۶۸).

- در صفحه ۳۲۰، در خصوص تائید تائیت آمده است: «تای مدورة از نشانه‌های تائیت است و هرگاه در اسمی دیده شود، آن اسم لفظاً مؤنث به‌شمار می‌آید، مگر آنکه بر مذکر حقیقی دلالت کند، مانند: حمزة، طلحة و علامه». با توجه به اینکه کلمه علامه، اسم مبالغه است و بین مذکر و مؤنث یکسان به‌کار می‌رود، نمی‌توان علامه را مذکر حقیقی به‌شمار آورد و این مثال، در این جایگاه درست نیست (شرتونی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۵).

- در تمرین صفحه ۳۵۷، کلمه سعید جزو کلماتی به‌شمار آمده که نمی‌توان از آن جمع مذکر سالم ساخت، در حالی که این کلمه، شروط لازم برای جمع مذکر سالم بسته شدن را دارد (الحملای، ۱۹۹۹، ص. ۵۹).

- در صفحه ۳۸۳ در تعریف مصدر مرة آمده است: «مصدر مرة به مصادری گفته می‌شود که بر دفعات رخداد فعل دلالت می‌کنند». درست آن است که گفته شود مصدر مرة بر یک بار انجام گرفتن رخداد دلالت دارد و نه دفعات انجام گرفتن آن.

۶. غلط‌های املائی و نگارشی

- صفحه ۳۰ کلمه «اللهم» در سطر ۱۸ با همزه قطع نوشته شده که اشتباه است.
- صفحه ۳۲ سطر اول و دوم همزه‌های الذی و الذین و التي با همزه قطع نوشته شده‌اند.

در صفحه ۳۵، سطر اول نویسنده درباره کتابت کرسی همزه آورده است که هرگاه همزه وسط متحرک باشد پایه آن متناسب با حرکت خود همزه است، خواه پیش از آن ساکن باشد یا متحرک. این قاعده، همه جا صدق نمی‌کند. برای نمونه، در کلمه «یؤدی» همزه وسط متحرک است و حرکت آن فتحه است، اما متناسب با حرکت خود نوشته نشده است. بنابراین در توضیح این مطلب باید همزه وسط به سه دسته تقسیم شود؛ دسته اول؛ هرگاه همزه ساکن و ماقبل متحرک باشد که در این صورت پایه همزه، براساس حرکت ماقبل است، اما دسته دوم؛ همزه متحرک و ماقبل ساکن باشد که کرسی همزه بر طبق حرکت خود همزه نوشته می‌شود و دسته سوم؛ هرگاه همزه متحرک و ماقبل نیز متحرک باشد که در این صورت کرسی همزه، براساس قوی‌ترین حرکات خواهد بود. و قوی‌ترین به ترتیب کسره، ضمه و فتحه خواهد بود (أبوبکر، ۱۴۱۱ق، صص. ۱۷-۲۱). البته ناگفته نماند که نویسنده در تبصره شماره یک همین صفحه آورده است که هرگاه همزه مفتوح و ماقبل مکسور و یا مضموم باشد پایه همزه متناسب با حرکت ماقبل است که در بیان این مطلب دسته‌بندی دقیقی از کرسی همزه ارائه نمی‌شود و مطلب به گونه‌ای سخت می‌نماید.

- صفحه ۳۶ عدم رعایت همزه قطع در کلمات إحسان، ایمان، أهاویل.
- صفحه ۱۸۶ در آیه شماره یک تمرین هیچ اسم فعلی ندارد، ولی در زیرمجموعه اسم فعل آمده است.

۷. نتیجه

پس از بحث و بررسی کتاب آموزش صرف عربی نتایج زیر حاصل شد: کتاب حاضر از نظر شکلی، دارای ویژگی‌های مثبتی چون حروف‌نگاری عالی، اغلاط کم در تایپ، تناسب کامل عنوان با محتوا، استحکام جلد، کیفیت عالی چاپ، رعایت فاصله مناسب بین خطوط، رعایت فاصله مناسب از بالا و پایین صفحات و ... است که همگی از موارد قوت این کتاب محسوب می‌شود، اما بی‌دقتی در بیان مطالب، برای نمونه کامل نبودن تمرین‌ها برای تمام مطالب ارائه‌شده در هر درس، آوردن مثال‌هایی در تمرین‌هایی که غیرمرتبط با عنوان سؤال است و غلط‌های صرفی باعث ضعف کتاب در ناحیه شکل آن شده است.

از نظر محتوا نیز پیچیدگی زبان نویسنده، عدم تناسب محتوا با سطح دانشجو، حذف برخی عنوان‌های اصلی درس صرف، عدم استفاده از منابع اصلی و دست اول از موارد ضعف آن شمرده می‌شود.

از دیگر موارد ضعف این کتاب، پرداختن به قواعدی است که چندان کارایی ندارند و گاهی فهم و یادگیری آن برای دانشجویان علوم قرآن و حدیث سخت و دشوار است. در واقع، در امر آموزش تناسب محتوا با سطح فراگیران و میزان کاربرد آنان اهمیت بسیاری دارد که متأسفانه در این کتاب این نکته مهم، فراموش شده است. همچنین، از دانشجوی علوم قرآن و حدیث بعد از گذراندن درس‌های قواعد صرف و نحو این انتظار می‌رود که بتواند با یادگیری آن قواعد به فهم بهتری از متون دینی برسد. این کتاب در ارائه قواعد، موفق عمل کرده است، اما به مسئله معنا پرداخته است. شایسته بود نویسنده با ذکر آیاتی از قرآن کریم و با تکیه بر ساختارهای صرفی مربوط به هر درس به معانی آن‌ها و تفاوت هریک از قالب‌ها با یکدیگر اشاره می‌کرد.

پیشنهادها

جهت ارتقای سطح کتاب، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- حذف جزئیات غیرضروری،
- ساده‌سازی زبان کتاب،
- افزودن تمرین برای برخی بخش‌هایی که فاقد تمرین است،

- رعایت ترتیب در بیان مطالب.

منابع

- ابوبکر، أ. م. (۱۴۱۱ق). القواعد الذهبية في الاملاء والترقيم، وزارة الأعلام بأبها.
- ابن عقيل، ع. (۱۹۶۴). شرح ابن عقيل. ضبط و تعليق: م. عبدالحميد. تهران: ناخر خسرو.
- ابوسليمان، ع. ا. (۱۳۸۷). روش تحقيق علمي به زبان عربي. ترجمه م. ب. حسيني و م. طوسي. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- احمدی گیوی، ح.، و حاکمی، ا.، شکری، ی.، و طباطبائی اردکانی، س. م. (۱۳۸۲). زبان و نگارش فارسی. تهران: سمت.
- باب الحوائجی، ف. (۱۳۸۷). آشنایی با مبانی چاپ و نشر با تأکید بر نشر الکترونیکی و اقتصاد نشر. تهران: چاپار.
- جزایری، س. ح. (۱۳۹۵). دانش صرف. قم: نصایح.
- حسن، ع. (۱۳۸۰). النحو الوافی. الجزء الأول. قم: صداقت.
- الحملای، ش. آ. (۱۹۹۹). شذا العرف فی فن الصرف. مراجعه: ح. عاصی. بیروت: دارالفکر العربي.
- دیباچی، س. ا. (۱۳۷۷). الجديد فی الصرف و النحو. تهران: سمت.
- الراجحی، ع. (۲۰۰۹). التطبيق الصرفی. بیروت: دارالنهضة العربية.
- سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (۱۳۸۳). ویژگی های کتاب های آموزشی: مجموعه راهنماهای تولید کتاب های آموزشی ۱. تهران: دفتر انتشارات کمک آموزشی.
- السامرائی، ف. ص. (۲۰۱۳). الصرف العربي، أحكام و معان. بیروت: دار ابن کثیر.
- سلمانی مروست، م. ع. (۱۳۹۹). بررسی و نقد کتاب دستور کاربرد زبان عربی (آموزش نحو) از عبدالرسول کشفی. تقدنامه زبان و ادبیات عربی، ۱، ۱۰۹-۱۲۴.
- سیوطی، ع. ا. (۱۹۸۷). الأشباه و النظائر فی النحو. بیروت: دارالکتب العلمية.
- شرتونی، ر. (۱۳۸۹). مبادئ العربية. تهران: اساطیر.
- شکیب انصاری، م. (۱۳۷۹). علم النحو و الإعراب. اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- عابدین، ع. (بی تا). مزالق فی طریق البحث اللغوی و الأدبی و توثیق النصوص. دارجامعة الخرطوم.
- فرضی شوب، ف. (۱۳۹۹). نقدی بر کتاب آموزش صرف (دستور کاربرد زبان) عبدالرسول کشفی. تقدنامه زبان و ادبیات عربی، ۱، ۱۴۸-۱۶۳.

نقد و ارزیابی کتاب آموزش صرف عربی از عبدالهادی فقهی زاده ۹۱

- فقهی زاده، ع. (۱۳۹۵). آموزش صرف عربی. تهران: سمت.
- الفیضی، ع.، و الدارمی، ع. (۲۰۱۶). تیسیر الصرف. قم: مجلس التعليم الإسلامی کیرالا.
- قاری، ا. (۱۳۹۵). صرف مقدماتی. قم: مناره.
- کشمیری، ع. (۱۳۹۵). صرف کاربردی، آموزش پیشرفته دانش صرف. ج ۱ و ۲. قم: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.
- کیانی، ح. (۱۳۹۱). بررسی و نقد کتاب قواعد کاربردی زبان عربی. پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۲، ۹۱-۱۰۴.
- محمدنژاد عالی زمینی، ی. (۱۳۹۱). شیوه نامه پژوهش و نگارش علمی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الملاهی، ع. (۲۰۱۴). البسیط فی الصرف. بی جا: بی نا.
- منصوریان، ی. (۱۳۹۲). صد ویژگی کتاب های دانشگاهی کارآمد و اثربخش. پژوهش و نگارش - کتب دانشگاهی، ۲۹، ۱-۱۷.
- میمندی، و.، و خبازی اشرف، ن. (۱۳۹۴). الصرف ۱ در ترازوی نقد. پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۱، ۱-۱۹.
- نجفی أسداللهی، س. (۱۳۸۶). الطريقة الجديدة من دروس دارالعلوم العربیة. تهران: خواجه نعمتی قزوینی، م.، و رخشنده نیا، س. ا. (۱۳۹۱). نقد کتاب صرف ساده. پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۲، ۱۲۷-۱۳۷.
- یعقوب، ا. ب. (۱۹۹۸). موسوعة النحو و الصرف و الإعراب. بیروت: دارالعلم للملایین.

